

قلمرو زبانی ۲ نمره

- الف (معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. ۱/۵
- ۱- گفت : درین مَعْرَکَه ، یکتا منم
تاج سر گُلْبَن و صحرا ، منم
- ۲- و اگر غم و شادیت بُود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد.
- ۳- بدان کوش که به هر مُحَالی از حال و نهاد خویش پَنگردی .
- ۴- رنج هیچ کس ضایع مکن و همه کس رابه سزا ، حق شناس باش؛ خاصه قَرابت خویش را.
- ۵- حتّی با عینک دور بیضی و دسته ی مفتولی و شیشه های کلفت زنگاری ، درست و حسابی نمی دید.
- ۶- و پیران قبیله خویش را حرمت دار ولیکن به ایشان مَوْلَع مباش .
- ب) املای نادرست واژگان را در نوشته های زیر بیابید و املای درست آن ها را بنویسید. ۱/۵
- ۱- خروس غالب حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان و بر حریف مقلوب که تسلیم اختیار کرده و مخزول و نالان اصترحام می کرد ، رحم نیاورد و آن چنان او را می کوفت که پولاد کوبند آهنگران
- ۲- اندر همه کاری داد از خویشتن بده، که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مثنغنی باشی . رنج هیچ کس ظایع مکن و همه کس رابه سزا ، حق شناس باش؛ خاصه قَرابت خویش را ؛ چندان که طاقت باشد با ایشان نیکی کن .
- ۳- یک روز خسرو بر خلاف عادت معلوف یک کیف حلبی که روی آن با رنگ روغن ناشیانه گل و بُتّه نقاشی شده بود ، به مدرسه آورد و همه حیرت کردند

ج) در موارد زیر چه نکته ی زبانی ویژه ای وجود دارد ؟ ۱

- ۱- سلیح ، اسلیمی
۲- کز طبع جانور
- ۳- ... که جان یابَدَت زان خورش، پرورش
۴- جان ستان
- د) نقش دستوری واژه های مشخص شده ی عبارت زیر را بنویسید . ۱/۷۵
- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
عُلْغَلَه زن ، چهره نُما ، تیز پا
- ه (روابط معنایی گروه واژه های زیر را بنویسید . ۱/۵
- ۱- چشمه و سنگ
۲- طَرَب و شادی
- و (در متن زیر ، یک واژه ی مشتق ، مرگَب ، مشتق - مرگَب « بیابید . ۱/۷۵
- شعله ی نفرین ها و دود آه مردم ستم دیده، کار ساز می شود . آتشی مهیب در بازار افتاد . نیمی از بغداد سوخت و خانه ی حاکم ستمگر نیز در آتش می سوزد .

ب) قلمرو ادبی ۵

- ۱- در هریک از ابیات و عبارت زیر ، یک آرایه ی غیر تکراری و برجسته تر را بیابید و نام گذاری کنید . ۳
- الف (لیک چنان خیره و خاموش ماند
کز همه شیرین سخنی ، گوش ماند
- ب (و به صدای بلند می گفت : الها! صد هزار مرتبه شکر، که شکرِ نعمت ، نعمتت افزون کند .
- ج (در بُن این پرده ی نیلوفری
کیست گُند با چو مَنی همسری ؟
- د (به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار تا گندم نمای جو فروش نباشی .
- ه (کتابی که در او داد سخن آرایبی توان داد.
- و (اُشتر به شعرِ عَرَب در حالت است و طَرَب
گر ذوق نیست تو را کز طبع جانوری

ز) خسرو موسیقی ایرانی، یعنی آواز را از مرحوم درویش خان آموخته بود. یک روز خسرو زنگِ قرآن، در شهناز شوری به پا کرده بود.

- ح) گل از شوق تو خندان در بهارست
از آتش رنگ های بی شمارست
- ط) خروس غالب حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان و بر حریف مغلوب که تسلیم اختیار کرده بود ...
- ی) هر کس این پنج خصلت را داشته باشد، از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است.
- ک) به نام کردگار هفت افلاک
که پیدا کرد آدم از کفی خاک
- ل) نعره بر آورده، فلک کرده کر
دیده سیه کرده، شده زهره در
- م) چون بگشایم ز سر مو، شکن
ماه ببیند رخ خود را به من
- ۲- برای هریک از واژه های زیر یک واژه ی هم خانواده بنویسید. / ۵
- الف) حرمت
ب) فیاض
- ۳- در عبارت زیر، دو ویژگی از ویژگی های نثر قابوس نامه را بنویسید. / ۵
- نومیدی را در امید، بسته دان و امید را در نومیدی.
- ۴- نام نویسنده ی کتاب « قابوس نامه » چیست؟ / ۲۵
- ۵- داستان « خسرو » نوشته ی است. / ۲۵
- ۵- جدول زیر را کامل کنید. / ۵

ساخت منفی	امر	فعل
		داری می روی

قلمرو معنایی

- ۱- ابیات و عبارات زیر را به نثر امروز بنویسید. ۷
- الف) فروغِ رویت اندازی سوی خاک
عجایب نقش ها سازی سوی خاک
- ب) ابر ز من، حامل سرمایه شد
باغ ز من، صاحب پیرایه شد
- ج) دمی آب خوردن پس از بدسگال
به از عمر هفتاد و هشتاد سال
- د) خواست کزان ورطه قدم در کشد
خویشتن از حادثه برتر کشد
- ه) تویی رزاق هر پیدا و پنهان
تویی خلاق هر دانا و نادان
- و) اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب
گر ذوق نیست تو را کز طبع جانوری
- ز) و هر شادی که بازگشت آن به غم است، آن راشادی مشمّر
من گوش استماع ندارم لمن تقول
- ح) خسرو با صدایی که از ته چاه در می آمد، با زهر خندی گفت: من گوش استماع ندارم لمن تقول
- ط) تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم.
- ی) اندر همه کاری داد از خویشتن بده.
- ک) بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند.
- ل) فی الجملة نماند از معاصی منگری که نکرد و مسکری که نخورد.
- ۲- ادبیات تعلیمی را تعریف کنید و دو کتاب با محتوای تعلیمی نام ببرید. ۱

سر سبز باشید